



سعید جهانگیری سال هاست با هنر خوشنویسی و حکاکی
به انگشتر عقیق جلوه می دهد

هنر دست بر انگشتر

۵۴



عکس: فاطمه چاهدی/شهر آرا

مرور خاطرات معلمی که محله بهشتی
را خانه خود می داند

۶ اشتباه شیرین مجری!



۴ سال از تعطیلی بیمارستان علوی می گذرد

۳ اما وجود تابلوهای راهنما
باعث مراجعه و سردرگمی زائران شده است
تابلوهای جدید برای بیمارستانی که نیست!

تشکل های برتر منطقه ۷

۷ در نمایشگاه «به توان مردم» شرکت کردند
عرصه بهتر دیده شدن

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.



● «پیوند بی‌کرانه» در زارعین

هم‌زمان با سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، ویژه‌برنامه «پیوند بی‌کرانه» با حضور نو عروسان و مادران پرجمعیت محله زارعین، در مسجد امام حسن مجتبی (ع) برگزار شد. در بخش ویژه‌ای از برنامه، از مادرانی که دارای چهار فرزند و بیشتر بودند، تجلیل شد و نو عروسان نیز هدایایی دریافت کردند. مولودی خوانی، نمایش طنز و سخنرانی با موضوع فرزندآوری و سواد رسانه‌ای از دیگر بخش‌های این برنامه بود.



● توانمندسازی دانش‌آموزان برای امتحانات

سمیرا منشادی با آغاز فصل امتحانات، فعالان فرهنگی محله رباط طرق با همکاری گروه جهادی شهید جواد عباسی، کلاس‌های رایگان ریاضی و عربی برای دانش‌آموزان دبستانی برگزار کردند. این کلاس‌ها طی دوروز و از ساعت ۸ تا ۱۲ برای دوره اول و دوم ابتدایی در نظر گرفته شد که با استقبال دانش‌آموزان همراه بود. هدف از این اقدام، کمک به تقویت درسی دانش‌آموزان در ایام امتحانات است. فعالان فرهنگی محله رباط طرق اعلام کرده‌اند با توجه به نیاز دانش‌آموزان به این کلاس‌ها، قرار است در تابستان هم برای تقویت پایه ریاضی و عربی دانش‌آموزان این کلاس‌ها ادامه داشته باشد.

● وسطی در خانه هلال خلج

خانه هلال محله خلج قصد دارد مسابقات رایگان داژبال (وسطی) ویژه دختران و بانوان ۱۶ تا ۴۶ سال را برگزار کند. مسئول خانه هلال با اعلام این خبر به شهرآرام‌خند گفت: با هدف ایجاد نشاط، تقویت روحیه کار تیمی، افزایش شادابی و تقویت مهارت‌های بدنی و فکری قصد داریم این بازی پرطرفدار را برای دختران و بانوان مشهدی برگزار کنیم. سعید شیرنگ افزود: خانه هلال خلج که میزبانی این بازی هیجان‌انگیز را به عهده دارد، از دختران و بانوان مشهدی دعوت می‌کند تا در این رویداد ورزشی شاد و تفریحی شرکت کنند. او بابیان اینکه علاقه‌مندان می‌توانند تا پانزدهم خرداد از طریق لینک mohadese1379423 در روبیکا ثبت‌نام کنند، افزود: زمان برگزاری مسابقات از بیستم تا سی‌ام خرداد خواهد بود و در پایان به سه تیم برتر جوایزی اهدا خواهد شد.

● جشن غدیر در خیابان غدیر

نشست هماهنگی جشن خیابان غدیر با حضور ائمه جماعات مساجد منطقه، فرماندهان پایگاه‌های بسیج محلات و فعالان فرهنگی و مذهبی در مسجد امام حسین (ع) واقع در خیابان خلج ۲۲ محله خلج برگزار شد. در این جلسه، ظرفیت‌های مردمی و جهادی محلات برای برگزاری پرشور جشن غدیر بررسی شد و راهکارهایی برای اجرای منسجم و تأثیرگذار این مناسبت‌ها ارائه گردید. شرکت‌کنندگان با تبادل نظر درباره مسائل راهبردی مساجد و پایگاه‌های بسیج، بر ضرورت تقویت ارتباط دوسویه میان مردم، مساجد و نهاد‌های فرهنگی تأکید کردند.



عمران و نظارت بر ساخت و ساز، بیشترین مطالبه شهروندان منطقه ۷

درخواست‌های مربوط به حوزه نظارت بر ساخت و سازها

هشت مورد از تماس شهروندان در حوزه شهرسازی و مربوط به نظارت بر ساخت و سازهای غیرمجاز بود. این شهروندان به مشکلاتی از قبیل پیشروی غیرمجاز و ساخت و ساز بدون مجوز اشاره کردند. این تماس‌ها از محلات انقلاب، خلج، بهارستان و سیدی بود.

درخواست‌های مربوط به حوزه فنی و عمرانی

هشت تماس در حوزه عمرانی و ترافیک بود. شهروندان محله‌های پروین اعتصامی، کوشش، عنصری، قائم، سیدی، بهارستان و انقلاب درخواست آسفالت، ساخت پیاده‌رو و ترمیم جوی و جدول را داشتند. یک شهروند درباره ترافیک میدان شهیدان سلطانی محله کوی کارگران گلایه داشت.

درخواست‌های مربوط به حوزه فضای سبز

پنج تماس مربوط به حوزه فضای سبز بود. این شهروندان که از محله‌های قائم، پروین اعتصامی و کوشش بودند، مسائل و دغدغه محله‌شان درباره کاشت درخت در حریم کال، آبیاری فضای سبز، نصب وسایل بازی برای کودکان و ایجاد فضای سبز در محله بهارستان را با شهردار در میان گذاشتند.

درخواست‌های مربوط به خدمات شهری

از بین تماس‌ها پنج مورد مربوط به حوزه خدمات شهری بود و شهروندان رفت و روب و ناقص و سدمبر در محله‌های عنصری، سیدی و بهارستان را مطرح کردند.



سمیرا منشادی، در هفته گذشته رضادآوری، شهردار جدید منطقه ۷، همراه معاونان و رؤسای اداره‌های منطقه ۷ با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ بدون واسطه پای تماس‌های مردمی نشست. شهردار در نود دقیقه به سی تماس تلفنی پاسخ داد و دستورات لازم برای پیگیری مطالبات مردمی را صادر کرد.

شهرآرام‌خند پیگیری می‌کند

شهرآرام‌خند در شماره‌های آینده موضوع آسفالت معبر و سامان‌دهی پیاده‌رو نامناسب در محله‌های پروین اعتصامی، کوشش و عنصری را پیگیری می‌کند.

به گفته همسایه های بیمارستان، همان موقع لوازم این مرکز درمانی را بار کامیون کردند و بردند. می گفتند تجهیزات به بیمارستان قلب واقع در محله رضا شهر منتقل شده است.

● سؤال های تکراری، جواب های تکراری

حسن سعادت رضوی در یکی از تعمیرگاه های ابتدای این خیابان کار می کند. او می گوید: مدت هاست این بیمارستان تعطیل است، اما روزی نیست که بیماری از شهرستان نیاید و از مادر باره علت بسته بودن بیمارستان سؤال نکند.

او ادامه می دهد: خانواده ای از بندرعباس هفته پیش آمده بودند. وقتی فهمیدند بیمارستان تعطیل است، خیلی ناراحت شدند. آن ها را راهنمایی کردیم به بیمارستان قلب دیگری بروند.

این تعمیرکار، تابلوی بیمارستان را که سرکوبه نصب است، نشانم می دهد و می گوید: اگر بنانیست بیمارستان فعال شود، این تابلو را چرا نکرده اند؟ زائران و حتی مجاوران باید آن به دنبال بیمارستان می گردند. وقتی با در بسته روبه روی می شوند، برای پرس و جو به سوپرمارکت محل یا مغازه های اطراف مراجعه می کنند و ما هم همیشه یک جواب تکراری برایشان داریم: خیلی وقت است بسته شده و کی باز شدنش با خداست.

● نصب ۴ تابلو برای بیمارستان غیرفعال

رئیس اداره نام گذاری معابر و تابلونویسی شهرداری مشهد در این باره می گوید: ما تابلو را همان سه چهار سال پیش با همراهی شهرداری منطقه ۸ از ورودی کوچه کنده ایم. اگر دقت کنید، رنگ و فونت تابلوی جدید نصب شده متفاوت است.

ناهید فریدنیا اضافه می کند: پیمانکار شهرداری منطقه ۸ اقدام به نصب تابلو کرده است. درست است که شهرداری اجازه نصب تابلو دارد، اما در صورت نیاز، برداشتنش با اداره ماست.

او در ادامه می گوید: بیمارستان مجوز یک تابلو را داشت، در حالی که چهار تادر آن محدوده برای بیمارستان غیرفعال

نصب شده است. در این زمینه با دانشگاه علوم پزشکی مکاتبه خواهیم کرد. زیرا نصب تابلو برای بیمارستان غیرفعال شاکی های بسیاری پیدا کرده است.

فریدنیا قول مساعد داد از آن محدوده بازدید و در اولین فرصت برای جلوگیری از سردرگمی شهروندان و زائران تابلوها را جمع آوری خواهد کرد.



● در گوگل هم از بسته بودن بیمارستان خبری نیست

وقتی نام بیمارستان را که به بیماران قلبی خدمات می دهد، در گوگل جست و جوی کنیم، از بسته بودنش خبری نیست. حتی در اطلاعات موجود نوشته شده است بیمارستان ۴۲ تخت فعال دارد.

این بیمارستان سال ۱۳۵۳ با عنوان خیریه علوی افتتاح شد. در سال ۱۳۶۰ به همت جمعی از خیران، بنای این مرکز بزرگ تر و بخش دندان پزشکی به آن اضافه شد. انجام عمل قلب باز و وجود بخش هایی مانند آنژیوگرافی، آی سی یو و بخش عروق در اطلاعات بیمارستان در فضای مجازی باعث شده است هر روز بیماران از شهرهای مختلف و حتی نقاط دور کشور به این خیابان مراجعه کنند و دست خالی برگردند. این بیمارستان در دوره کرونا تعطیل شد؛ درست وقتی که یکی از بانوان شاغل در اتاق عمل به علت کرونا از دنیا رفت. یعنی چهار سال از تعطیل شدن آن می گذرد.

۴ سال از تعطیلی بیمارستان علوی می گذرد اما وجود تابلوهای راهنما باعث مراجعه و سردرگمی زائران شده است

تابلوهای جدید برای بیمارستانی که نیست!

اداره نام گذاری قول رسیدگی و جمع آوری تابلوها را داد

محبوبه فرامرزی در ابتدای ورودی خیابان امام رضا ۶۱ تابلوی نارنجی رنگ بیمارستان علوی نوین و تازه به چشم می خورد. انگار آن قدری از نصب آن نمی گذرد. اما در بیمارستان بسته است. نه کسی می آید و نه کسی می رود. قفل و بندش نشان می دهد مدت هاست از این فضا استفاده ای نمی شود. اما تابلوی سردر بیمارستان سر جایش قرار دارد.

آنچه باعث شده است به این خیابان در محله امام رضا (ع) برویم و با مردم گفت و گو کنیم، وجود تابلوهایی است که از دو ماه پیش در این محدوده نصب شده است. یعنی با وجود تعطیلی چهار ساله بیمارستان، تابلوی راهنما نه تنها جمع نشده، بلکه نو هم شده است!



بهسازی کال اقبال

شهردار منطقه ۸ مشهد از آغاز عملیات اجرایی بدنه سازی و کف سازی کال اقبال، حدفاصل بولوار شهدای ارتش تا تقاطع غیرهم سطح انقلاب، به طول ۷۵ متر خبر داد. کاظم یزدان مهر گفت: کال اقبال رواناب های ارتفاعات جنوبی شهر را جمع آوری و به سمت کشف رود هدایت می کند.

زیبایی منطقه با گل های تابستانی

۱۱ هزار بوته پرچین و ۴۰ هزار بوته گل در منطقه ۸ کاشته شد. این عملیات شامل کاشت انواع گل های فصلی و دائمی متنوع و پرچین های زینتی به منظور تفکیک فضاهای سبز و افزایش زیبایی بصری در بوستان ها، حاشیه خیابان ها، میادین و نقاط مختلف منطقه اجرایی شده است. تا پایان خرداد نیز ۲۵ هزار بوته گل تابستانی کاشته خواهد شد.

در خیابان شهیدان عامل، آسوده برانید

عملیات روکش آسفالت خیابان شهیدان عامل یک در منطقه ۸ در راستای ارتقای کیفیت سطح آسفالت و سامان دهی وضعیت معابر سواره روانجام شد. این عملیات باعث کسب رضایت شهروندان و ساکنان شده است. در این اقدام بیش از هشتصد مترمربع از خیابان شهیدان عامل یک بانودتن آسفالت گرم مرمت و روکش آسفالت شده است.

شهر خبر

با پیگیری شهرآرامحله و همکاری شهرداری منطقه ۸ صورت گرفت

ایمن سازی دیوار خطر آفرین سرشور ۳۵

موسوی زاده زمستان پارسال در گزارشی به گلایه اهالی محله سرشور از دیوار فرسوده و خطر آفرین کوچه سرشور ۳۵ پرداختیم؛ دیواری که در اثر بارش برف و باران از حالت استاندارد خارج شده بود و احتمال ریزش آن نگرانی و ترس رهگذران را در پی داشت. اکنون با پیگیری «شهرآرامحله» و همکاری اداره ناحیه یک شهرداری منطقه ۸، این دیوار ایمن سازی و خطر ریزش آن برطرف شده است.



بازخورد

شروع کرده است. خطوط زیارت عاشورا را نمی توان با چشم خواند. ذره بینی قوی به ستم می گیرد. حالامی توانم بخوانم: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد».

حرفش را این طور ادامه می دهد: مشتری که آمده بود کارش را تحویل بگیرد، چنان ذوق زده بود که نمی توانم برایتان توصیف کنم. پس از آن تصمیم گرفتم در ابعاد کوچک تر روی سنگ برای خودم زیارت عاشورا را قلم بزنم. این کار شاید شش ماه یا بیشتر زمان ببرد. چون کار مشتری نیست، عجله ای هم برای تمام کردنش ندارم.

ترکیب طرح ها و خط ها

در کارش دائم با طرح و خط سرو کار دارد. همه خط ها ترکیب ذهن خودش است و تکراری نیست. همین کارش را خاص تر کرده است و می گوید: هنگامی که می خواهم کاری را شروع کنم، خط ها و طرح ها را در ذهنم کنار هم می گذارم. از آن ها ایده های جدیدی می گیرم.

برخی حکاکان طرح های آماده دارند و از همان ها برای کارشان استفاده می کنند، اما او این کار را تکرار خودش می داند و می گوید: از همان خوش نویسی هایی که دوران کودکی کار کرده ام، حالا استفاده می کنم. برای حکاک لازم است تا از خوش نویسی سر رشته داشته باشد.

این هنرمند به سختی های کارش اشاره می کند: سختی هایی که هر کدام برایش درسی از زندگی بوده اند. او صبر را بالاترین دستاورد در کارش می داند و می افزاید: این کار به دقت و ظرافت زیادی احتیاج دارد. کار حکاکی باید صبورانه پیش برود. زیرا کوچک ترین اشتباهی می تواند کار را خراب و بی ارزش کند. من در حین حکاکی، صبری را بیش از پیش فرا گرفته ام. یکی دیگر از سختی های کارش را کمبود بعضی ابزار ها از جمله مته می داند که سخت پیدا می شود. او می گوید: بیشتر مته های خوب از چین وارد می شدند، اما مدتی است که مته خوب در بازار نیست و حکاکان به سختی می توانند مته با کیفیت پیدا کنند.

شناخت سنگ راحت نیست

تشخیص سنگ های اصلی از مصنوعی یکی از واجبات کارش است. او در این باره می گوید: آن زمان که کودک بودم، تفاوت سنگ ها را تشخیص نمی دادم و نمی دانستم چه سنگی اصلی و چه سنگی مصنوعی است. اما با کنجکاوی و دقت زیاد، به مرور توانایی تشخیص سنگ ها را پیدا کردم. به ویژه، چون بیشتر با سنگ عقیق کاری می کنم، اکنون به خوبی فرق بین عقیق ایرانی، چینی و یمنی را می دانم.

او در ادامه از این می گوید که گاهی در بازار سنگی را به اسم یک سنگ دیگر با چند برابر قیمت به مشتری می دهند. زیرا شناسایی سنگ ها از عهده مردم عادی بر نمی آید و این فقط به وجدان فروشنده بستگی دارد که چقدر در کارش صداقت داشته باشد. جهانگیری حتی مواردی را دیده و شنیده است که سنگی با حکاکی لیزر را به اسم حکاکی دستی به مشتری می دهند. از آنجاکه حکاکی با لیزر بسیار ارزان تر از حکاکی بادست است، مردم باید دقت کنند و فقط از فروشندگان معتبر خرید کنند. چون تشخیص این موضوع هم از عهده مردم عادی بر نمی آید.

لیزر و کپی: ۲ اکت کار حکاکی

کپی برداری از طرح های دیگران، مشکلی است که وارد کار حکاکان هم شده است. به گفته جهانگیری، برخی طرح ها را حکاک با خلالت خود طرح می کنند، اما خیلی زود دیگر حکاکان از آن طرح کپی برداری می کنند و این موضوع به امری رایج تبدیل شده است. البته طرح هایی هم هستند که استادان صاحب امضای زنده و هیچ کس نمی تواند از آن ها کپی برداری کند، اما به طور کلی، بیشتر طرح ها را حکاکان کپی برداری می کنند و با دادن تغییراتی جزئی در آن، امضای خودشان را بر آن می زنند. این هنرمند ورود فناوری به هنر را امر خوبی می داند. اما آن را آفتی برای کارشان نیز می داند و توضیح می دهد: این روزها در همه کارها فناوری و هوش مصنوعی وارد شده است. در کار مالیزر سبب شده است تا حکاکی با سرعت و حجم زیاد تولید شود. برخی حکاکان که از خود ایده و طرحی ندارند، از طریق این نرم افزارها طراحی می کنند. اما این کار نمی تواند زیبایی و ظرافت کارهای دستی را کم رنگ کند. به همین دلیل شاهد هستیم حکاکی های دستی همچنان علاقه مندان خود را دارد و بسیاری از مشتریان فقط دنبال حکاکانی هستند که کار طراحی و حکاکی را به صورت دستی انجام می دهند.

او که کارهایش را با امضای خاص خودش روانه بازار می کند، ادامه می دهد: امضای روی اثر، هم آن را خاص تر و معتبر تر و هم کپی آن را سخت تر می کند. سال هاست که مشتریانم کارهایم را با اسم «حافظ» می شناسند.

سعید جهانگیری سال هاست با هنر خوش نویسی و حکاکی به انگشت عقیق جلوه می دهد

هنر دست بر انگشت

سمیرا منشادی، اسنگ عقیقی که مقابلم گذاشته، به اندازه دو بند انگشت است و خطوط بسیار ریزی روی آن به چشم می خورد. نوشته ها را جز با ذره بینی بسیار قوی نمی توان خواند.

سعید جهانگیری هنرمندی است که با عشق، زیارت عاشورا را روی آن حکاکی کرده است. او ذره بین را دستم می دهد و منتظر می ماند تا واکنش من را ببیند. وقتی تعجبم را می بیند، لبخند رضایت روی صورتش می نشیند. جهانگیری هنوز ۵۳ سال را پر نکرده است و بیش از سی سال سابقه حکاکی روی سنگ و به خصوص عقیق یمنی دارد.

او خط خوش و هنر حکاکی را از پدر و پدربزرگش به ارث برده است و آن طور که می گوید، اقوام پدری اش، پشت در پشت، از همین هنر ارتزاق می کرده اند. جهانگیری سال هاست در بازار رضای مشهد به طور حرفه ای حکاکی می کند. او از کودکی به دنبال آموختن خوش نویسی بوده و وردست پدر هم کار می کرده و آرام آرام چم و خم این هنر را آموخته است. او حالا سال هاست شاگردان اهل ذوق را آموزش می دهد.

جهانگیری بین حکاکان مشهد چهره شناخته شده ای است. او روی عقیق یمنی حکاکی می کند و کارش طالبان خاص خودش را دارد. این حکاک آن قدر ظریف و هنرمندانه نقش می زند که مشتری های بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس دارد. خودش در نمایشگاه های بین المللی شرکت نکرده است، اما خریداران سنگ هایش را کلی می خرند و در نمایشگاه ها عرضه می کنند.

آوای خوش قلم نی روی کاغذ

جهانگیری وقتی از کودکی و نو جوانی اش حرف می زند، به بازار سرشور می رسد. او در محله سرشور به دنیا آمده و بزرگ شده است. گذر از این بازار و دیدن حکاکان و خوش نویسان علاقه اش را به این هنر روز به روز بیشتر کرد. پدرش در این بازار حکاکی، قلم زنی و انگشت سازی می کرد. پدربزرگش هم علاوه بر حکاکی، قلم زنی را با ظرافتی توصیف نشدنی انجام می داد. او از گذشته این طور یاد می کند: پدرم کارمند بود و به طور نیمه وقت حکاکی می کرد. خط خوشی هم داشت و اولین سرمشق هارا زیر نظر پدرم تمرین کردم. وقتی پدرم خط می نوشت یا حکاکی می کرد، کنارش می نشستم و با دقت نگاهش می کردم. هر زمان وقت داشت، آن چه را دیده بودم، تمرین می کردم.

وقتی پدر تمرین خط می کرد، بوی دوات در اتاق می پیچید و سعید کوچک گوشه ای می نشست: مبادا دوات را بریزد. وقتی قلم نی در دوات فرو می رفت و اضافه اش با کنایه ظرف گرفته می شد، هر آن دلش بی تاب می شد مبادا دوات روی کاغذ بچکد. صدای کشیده شدن قلم نی روی کاغذ آن قدر به جانش می نشست که چشم هایش را می بست و خوب به این آواگوش می داد. وقتی صدا بیشتر طول می کشید، می دانست پدر حرف کاف را نوشته و حسابی آن را کشیده است.

آن قدر به هنر علاقه داشت که پیش از رفتن به مدرسه، پیاده کردن طرح روی نگین را آموخت و از نه سالگی هم زیر نظر پدر حکاکی را شروع کرد: «اوایل برای اینکه دستم راه بیفتد، روی نقره حکاکی می کردم. پدرم بابت کارم به من پول توجیبی می داد. چیزهایی که می نوشتم هم آن قدر سخت نبود. معمولاً نام پنج تن و حرز جواد^(ع) بود. آن قدر از اینکه دستمزد داشتم خوش حال بودم که حد نداشتم. در آن سن حس استقلال می کردم. از اینکه با پول خودم زنگ تفریح ها می توانستم ساندویچ و نوشابه بخرم، کلی جلو رفیق هایم می زدم. چون پولش حاصل کارم بود. همین حس باعث شد پایه جفت پیش پدرم بایستم و اوقات بیکاری کار کنم».

تربیت پیش از ۴۰ شاگرد

انگار با هر پیچش قلم حکاکی روی سنگ، روحش تازه می شود. چشمانش برق می زند و با دقت آن را برانداز می کند. سنگ را به دست می گیرد و همان طور که در حال گفت و گوست، با تاراش و مته خطوطی را روی آن نقش می زند: در دانشگاه درس می خواندم، اما هر چه گذشت، دیدم علاقه ای به درس و دانشگاه ندارم و دلم برای نشستن پشت میز کار پرمی زند. پدرم اصرار داشت مغازه ای راه بیندازم و حالا که اوستا کار شده ام، کارم را سوا کنم. با کمکش مغازه ای در بازار رضا کرایه کردم. پدر

و مادرم که خاطرشان از کار و بارم جمع شد، برایم آستین بالا زدند.

اوسی سال است به طور حرفه ای به حکاکی می پردازد و در این سال ها شاگردان زیادی تربیت کرده است: «وقتی شاگردی برای آموزش مراجعه می کند، تا مطمئن نشوم واقعا علاقه دارد، کارم را با او شروع نمی کنم. اگر علاقه نداشته باشد و کارش را نصفه و نیمه رها کند، هم زمانی که من صرف کردم هدر می رود و هم زمان او. برای همین وقت می گذارم و خوب ارزیابی اش می کنم تا ببینم شاگردم علاقه لازم را دارد یا نه. تا حالا بیش از چهل نفر را آموزش داده ام و روانه بازار کار کرده ام. الان دو خواهرزاده ام شاگردانم هستند که در حال آموزش اند».

ارزآوری با حکاکی

تعداد حکاکان در بازار رضا کم نیست: چه برسد به شهرمان. از او می پرسیم تا حالا نگران نبوده است دست در این کار زیاد شود؟ می خندد و می گوید: هر کسی روزی خودش را دارد، اما خودم سعی کرده ام کار ظریف و بی نقصی ارائه بدهم. علاوه بر این، به دلیل قیمت زیاد سنگ، مشتری هایم بیشتر خارجی هستند. مشتری خارجی با خودش ارز می آورد و این موضوع باعث نفع برای شهرمان هم می شود. چون من در مقابل دستمزد از آن ها دلار می گیرم.

ذکر رزق و روزی، دعای دور ماندن از چشم زخم، آیات قرآن و... معمولاً متن هایی است که مشتری هادرخواست می کنند برایشان روی سنگ عقیق حکاکی کند.

او بیشتر روی عقیق یمن حکاکی می کند. علتش را هم احادیث و روایاتی می داند که از معصومین^(ع) درباره فضیلت و ثواب به همراه داشتن این سنگ ذکر شده است. بعضی کارهایش هم روی فیروزه، یاقوت، زبرجد و ذر نجف است.

به کارهای پدرش اشاره می کند و توضیح می دهد: پدرم کارهایش برای مشتریان داخلی بود و از سنگ های داخلی استفاده می کرد، اما با توجه به بازارهای بین المللی، من ترجیح دادم روی سنگ های یمنی کار کنم که مشتری های خاصی دارد.

پذیرفتن سفارشی متفاوت

حدود یک سال پیش سفارشی خاص ولی سخت را قبول می کند. مشتری از او می خواهد که زیارت عاشورا را برایش روی سنگ عقیق حکاکی کند. ابتدا کمی تردید داشت. اما با توسل به صاحب زیارت عاشورا، کارش را شروع کرد. حدود شش ماه زمان برد تا کار را تحویل مشتری بدهد. نمونه کار مشابه، اما در اندازه کوچک تر را مقابلم می گیرد. این کار را برای خودش



حکای سوره کوثر



حکای زیارت عاشور



ذوق هنرمند او را متمایز می‌کند

امیرحسین اسماعیلی ۲۴ سال دارد و پسر خواهر جهانگیری است. او چهار سالی است که کنار دست دایی اش کار حکای را شروع کرده است. از همان کودکی به حکای و خطاطی علاقه داشته و هر زمان که دایی اش در منزل به کار می پرداخته، با دقت کارش را دنبال می کرده است. تا اینکه چهار سال پیش به طور جدی آموزش زیر نظر دایی اش را شروع می کند. امیرحسین می گوید: علاوه بر علاقه شخصی ام، دایی ام مشوقم بوده که کار را به دست بگیرم.

او برای ورود به این هنر، مهارت راتنها شرط لازم نمی داند؛ بلکه معتقد است یک هنرمند نیاز به ذوق و سلیقه دارد. ذوق، سلیقه به همراه استعداد است که کار را متمایز می کند و هر کسی کار را ببیند، می داند که اثر دست کیست. امیرحسین هم برای رسیدن به این درجه تلاش می کند و وقت می گذارد. این جوان هنرمند ادامه می دهد: در این چهار سال توانسته ام مهارت هایم را افزایش بدهم؛ به طوری که می توانم یک سنگ عقیق اصل را از نوع تقلبی آن تشخیص بدهم.

او سلیقه مشتری ها را هم می داند و در این باره می گوید: آنچه مشتری ها برای خط حکای سفارش می دهند، خط ثلث است. اما ترکیب خط هایی مانند کوفی، نستعلیق و ثلث را هم دوست دارند.

می خواهم حکاک معروفی بشوم

منجی محقق دوازده سال دارد و کنار دست دایی و پسر خاله اش در حال آموزش است. او که امسال کلاس ششم را به پایان برده است، بیشتر اوقات تابستانش را در مغازه دایی به سر می برد. منجی که از یک سال پیش آموزش را شروع کرده است، می گوید: علاقه ام سبب شد تا پدرم مرا به دایی ام بپسارد. زمانی که به مدرسه می رفتم، یک روز در میان می آمدم، ولی حالا که وقتم آزاد است، بیشتر می آیم.

او ابزار را می شناسد و گاهی زیر نظر دایی و پسر خاله اش کارهای ابتدایی حکای را انجام می دهد. منجی می گوید:

حکای اسم پنج تن و اسم های ائمه^(ع) را یاد گرفته ام

و امید وارم روزی

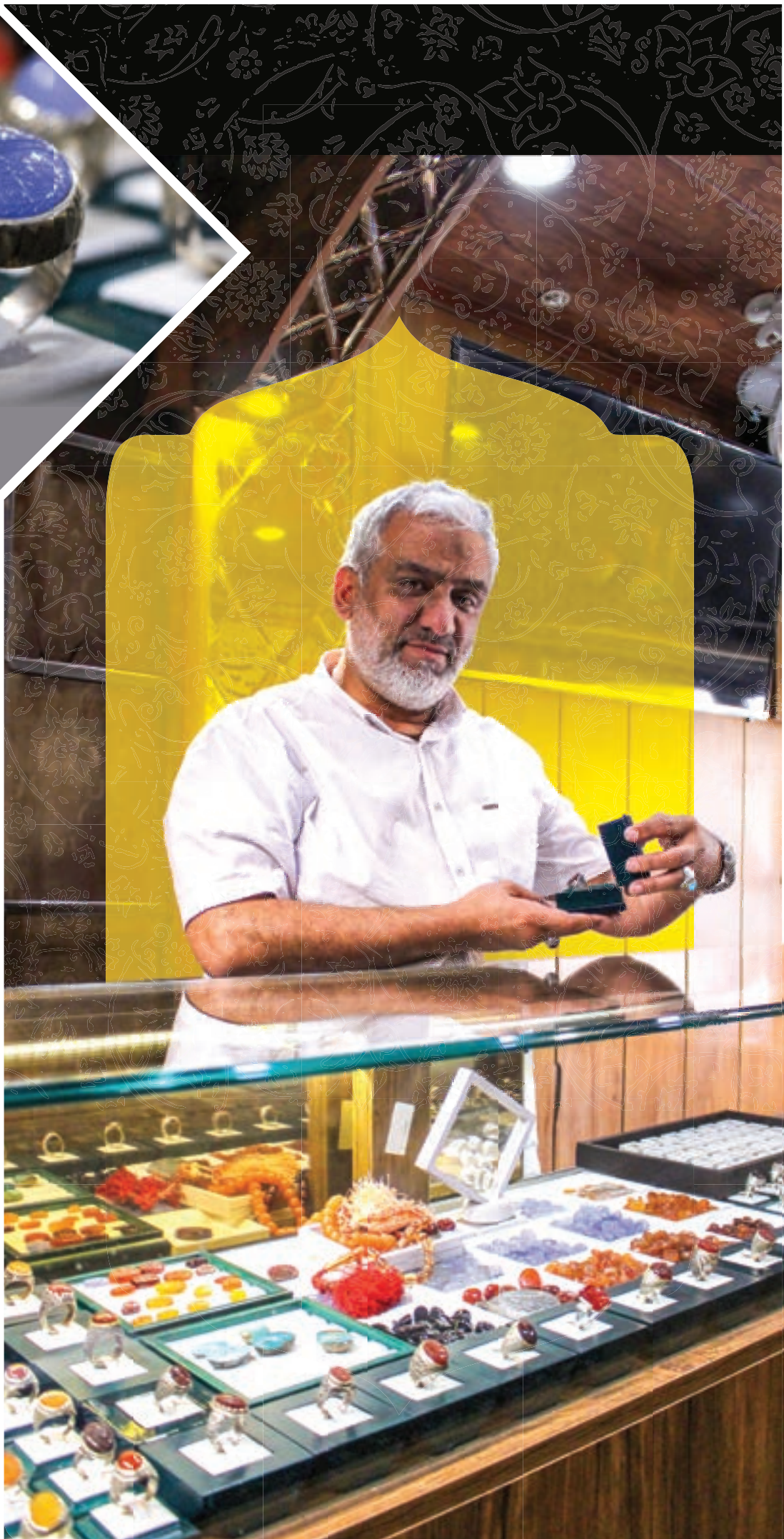
مانند دایی ام بتوانم

امضا داشته باشم.

می خواهم روزی آن قدر

معروف بشوم که نه تنها در

کشورمان، که در دنیا شناخته شوم.



مرور خاطرات معلمی که محله بهشتی را خانه خود می‌داند

اشتباه شیرین مجری!

محله‌گردی

ایستگاه اول



به دلیل نزدیکی خانه به بوستان کوهسنگی، زیاد به اینجارت و آمد دارم. یک بار برای شرکت در مراسمی به گرادیان آمده بودم بسیاری از والدین دانش آموزانم به احترامم بلند شدند و دست دادند. مجری با تصور اینکه من باید مسئول باشم حضورم را خیر مقدم گفت که با اشاره دست به او فهماندم مسئول نیستم.

نجمه موسوی زاده هر بار قدم زنان از پیاده روی محله می‌گذرد، با سلام و احوال پرس و گو گرم اهالی روبه روی می‌شود. رمضان علی اخروی مایوان که حدود پانزده سال پیش از قوچان به مشهد آمده است، حالا دیگر به عنوان چهره‌ای دوست داشتنی در محله بهشتی شناخته می‌شود. سال‌ها مدیریت دبیرستان پسرانه شهید عبدا... نژاد و خاطرات خوشی که از تدریس، مدیریت و زندگی در این محله دارد، همیشه برایش شیرین است و هر بار که آن‌ها را مرور می‌کند، لبخندی گرم بر لبانش می‌نشیند.

شاید خیلی از مشه‌دی‌ها هم ندانند مقبره سادات رضوی کجاست، ولی برای من جایی دوست داشتنی است. یک بار با هماهنگی با مدیریت مقبره، همراه با چند نفر از اهالی برای غبارروبی و نظافت به این مقبره آمدم و حس و حال خوشی را تجربه کردم.

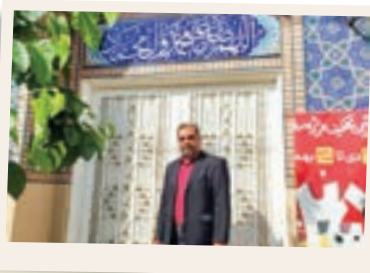
ایستگاه دوم



ایستگاه سوم



ایستگاه چهارم



ایستگاه پنجم

سال‌های اولی که به مشهد آمده بودم، در خیابان بهشتی خانه‌ای اجاره کردم. آن موقع بولواری در وسط خیابان اصلی نبود. یادم است وقتی پشت فرمان می‌نشستم، با ترس دعامی خواندم و صلوات می‌فرستادم که ماشین روبه روبه مانزد و سالم عبور کنیم.

از بهترین لحظاتم در این محله، مراسم شب‌های قدر در مسجد امام هادی^(ع) است. سال اولی که همسایه مسجد شده بودم، همراه چند نفر از اهالی برای افطار نمازگزاران نان، پنیر و خرماتیه و در مسجد توزیع کردیم.

محمد رضا میرنامی، نانوای خوش برخورد محله است که علاوه بر اینکه نان خوب دست مردم می‌دهد، هوای نیازمندان را هم دارد. همیشه این خصوصیتش برایم محترم بوده است.

بانگاه کردن به تابلوی دبیرستان شهید عبدا... نژاد، یاد روزی می‌افتم که پشت میز کارم نشسته بودم و از دوربین مدرسه، مرد جوانی را دیدم که به تابلوی مدرسه نگاه می‌کند و اشک می‌ریزد. بیرون رفتم و به داخل مدرسه دعوتش کردم. آن جوان کارت شناسایی‌اش را نشانم داد و گفت فرمانده کشتی تجاری است و خاطرات بسیار خوشی از این مدرسه دارد که حالا با یادآوری آن‌ها نتوانسته است خودش را کنترل کند.





حاج خلیل یداللهی، ساکن محله امام رضا(ع) از خاطره ماندگاری می گوید
که ۳۵ سال پیش در حرم برایش رقم خورد

دعوت ناگهانی



صندوق
خاطرات

هم به دنبالش بودند تا اینکه نفسش گرفت و روی زمین نشست. آقا خلیل اولش خیلی توجه نکرد، اما ناگهان آن مرد مقابلش ایستاد: «خیلی سریع گفت دست را به من بده. آن قدر این حرفش یک باره و با جدیت بود که ناخودآگاه دستم را جلو بردم و او چیزی در کف دستم گذاشت.»

● دعوت شده بودم!

مرد بدون اینکه کلام دیگری بگوید، در بین جمعیت ناپدید شد و حاج خلیل که در بهت و شوک بود، مشتتش را باز کرد و دید تون غذای حضرت است! آن هم درست برای چهار نفر، به اندازه خانواده اش: «اشک در چشمانم حلقه زده بود. نمی توانستم باور کنم. انگار آقا سبزوار دعوت کرده بود تا شب میلادش مهمانش باشم.»

هنوز هم باید آوری آن صحنه صدایش می لرزد: «آن زمان مثل الان نبود که در مساجد و خانه ها به وفور تون غذای حضرت بین مردم توزیع شود. مردم خیلی مشتاق بودند که از غذای متبرک حضرت نصیبشان شود. مهمان آقا شدن خیلی سخت بود و این سعادت نصیب من شده بود. آن چند نفر هم به همین خاطر، دنبال مرد راه افتاده بودند.»

آقا خلیل و خانواده اش غذا را گرفتند و به جای اینکه به مهمان سرای حضرت بروند، در گوشه ای از صحن نشستند؛ همان جاکه گنبد تلاپی حضرت پیدا است و غذایشان رامیل کردند. حاج خلیل آن قدر حس خوبی داشت که هنوز هم باید آوری آن لحظه، همان حس و حال برایش زنده می شود.

زیارت به حرم برویم. همسرش خواست غذایی آماده کند تا شام بخورند و بچه ها گرسنه نمانند. اما حاج خلیل که دلش طاقت نداشت و می خواست زودتر به حرم برسد، به او گفت نمی خواهد شام درست کند، همان اطراف حرم ساندویچی می خرد و می خورد. حرم مثل همیشه شلوغ بود. جمعیت زیادی در حال رفت و آمد بودند. او ماشین را در خیابان خسروی پارک کرد و دست فرزندش را در دست گرفت و به سمت باب الرضا^(ع) روانه شد. همین که دست بر سینه گذاشت تا سلامی به آقا بدهد، صحنه ای عجیب دید: «مردی با شتاب و نفس زنان به سمت مامی دوید و چند نفری

نجمه موسوی زاده! همین که وارد حرم امام رضا^(ع) شد. مردی را دید که با عجله راه می رود. مقابل در ورودی باب الرضا^(ع) ایستاد تا سلام بدهد که ناگهان متوجه شد مرد روی زمین نشسته است: انگار که نفسش گرفته باشد. در همین فکر بود که مرد خودش را به او رساند و مقابل خلیل یداللهی که در چند قدمی او بود، ایستاد و گفت دستت را بده به من! و ناگهان اتفاقی افتاد که با وجود گذشت ۳۵ سال، از یاد حاج خلیل، ساکن محله امام رضا^(ع)، نرفته است.

● به مقصد حرم

حاج خلیل از معتمدان محله امام رضا^(ع) است. پاتوقش پس از بازنشستگی مسجد حضرت محمد^(ص) است. او تعریف می کند: سال ۱۳۶۸ برای انجام مأموریتی ده روزه همراه چند نفر از همکارانم به سبزوار رفته بودم. روز پنجم یا ششم آن مأموریت با ولادت امام رضا^(ع) مصادف شده بود. دلم پرمی زد برای زیارت و حضور در حرم؛ مثل هر سال.

دلش راضی نمی شد که در نزدیکی امام رضا^(ع) باشد و برای زیارت نرود. بنا بر این به همکارانش گفت عصر به سمت مشهد حرکت می کند و صبح زود برای ادامه کار برمی گردد.

همکارانش هم که مشتاق زیارت بودند، با او همراه شدند. حاج خلیل با ماشین خودش آن ها را به خانه هایشان رساند و سپس راهی خانه اش شد: «به همسرم گفتم لباس بپوش و بچه ها را آماده کن تا برای



تشکل های برتر منطقه ۷ در نمایشگاه «به توان مردم» شرکت کردند

عرصه بهتر دیده شدن



عیدگاه

فرصت خوبی است برای تشکل ها که با ظرفیت ها و توانمندی های یکدیگر آشنا شوند. همچنین این نمایشگاه، فضایی برای تبادل تجربیات و هم افزایی بین تشکل ها و آشنایی مدیران با ظرفیت های مردمی است.

● یاری جوانان در ازدواج

حجت الاسلام والمسلمین محسن اصلانی در مسجد صاحب الزمان^(عج) فعالیت می کند و تشکلش نیز به همین نام است. آن ها از دو سال پیش به طور رسمی رابط ازدواج هستند. حجت الاسلام اصلانی با بیان اینکه گروهی از بانوان مسجدی که کلاس های مشاوره تربیتی درباره ازدواج را گذرانده اند، این امر را به عهده دارند، می گوید: در دو سال گذشته که کارمان را با ثبت مشخصات و شرایط خانواده ها شروع کرده ایم، حدود بیست زوج جوان را به یکدیگر شناسانده ایم. او با بیان اینکه بانوان پایگاه بسیج امام رضا^(ع) پهنه شهید اصلانی با مطالعه شرایط و درخواست ها، خانواده های هم کفورا به یکدیگر معرفی می کنند، ادامه می دهد: ما معرفی هستیم و تحقیقات دو طرف به عهده خودشان است. در مرحله بعدی، اگر دو طرف برای برگزاری مراسم یا تهیه جهیزیه نیاز به حمایت مالی یا مشاور داشته باشند، در این زمینه نیز همراهی شان می کنیم.

«سه شنبه های مهدوی، یکی از تشکل هایی است که در این رویداد

سمیرا منشادی از پنجم تا نهم خرداد نمایشگاه «به توان مردم» در کارخانه نوآوری برگزار شد. سومین روز این نمایشگاه مصادف شد با ولادت حضرت فاطمه^(س) و امام علی^(ع). وارد نمایشگاه که شدم، جو بسیار شادی حاکم بود. در بلندگو مجری اعلام کرد که قرار است به زودی خطبه عقد چند زوج جوان در نمایشگاه خوانده شود. لحظاتی بعد صدای خواندن خطبه عقد و صلوات و شادی حاضران جوشاد حاکم را دوچندان کرد. در غرفه منطقه ۷ شهرداری هم فضایی مشابه حاکم بود. یک سوزوج هایی نشسته بودند که ازدواج آسانی داشته اند و در سوی دیگر، تشکل های شهید اصلانی، مؤسسه قصه های شیرین بنی و سه شنبه های مهدوی در حال ارتباط گرفتن با مخاطبان نشان بودند.

● فرصتی برای شناخت ظرفیت ها

شهردار منطقه ۷ در حاشیه این نمایشگاه می گوید: بیش از صد تشکل در منطقه فعال هستند که پانزده تشکل برتر بر اساس معیارهایی همچون میزان مخاطب، تنوع برنامه ها، میزان تأثیرگذاری و همسویی با اهداف شهرداری برای حضور در نمایشگاه انتخاب شده اند و هر روز سه تشکل در این نمایشگاه حضور یافتند.

رضا داوری با بیان اینکه شناساندن توانمندی های تشکل ها در شهر از اهداف این نمایشگاه است، می افزاید: این برنامه

شرکت کرده است. محسن صفاری، از پایه گذاران این تشکل، توضیح می دهد که کارشان را از سال ۱۳۹۴ با عده ای از جوانان علاقه مند در مسجد المهدی^(عج) منطقه سیدی شروع کرده اند. در غده این تشکل، انتظار و مهدویت است و به طور تخصصی در این زمینه فعالیت می کنند. صفاری درباره حضور تیمشان در این رویداد می گوید: امروز توانستیم ارتباط بسیار خوبی با دیگر تشکل ها برقرار کنیم، کارمان را ارائه بدهیم و مردم را با سه شنبه های مهدوی آشنا کنیم.

روی پیشخوان، صفحه های بازی کودکانه چیده شده است. هر کودک و نوجوانی که از مقابل غرفه عبور می کند، لحظه ای چشمش به پیشخوان می خورد و ناخودآگاه می ایستد و درباره بازی پرس و جو می کند. آسیه اکبری تأسیس کننده «مؤسسه قصه های شیرین بنی» است. تیم هجده نفره متخصصش از پانزده سال پیش کارش را در زمینه تولید محتوا، بازی و سرگرمی، ساخت اپلیکیشن رایانه ای و فضای مجازی شروع کرده است. آن ها با تولید و ساخت چهارصد بازی که بر اساس معیارهای سرگرمی و اصول استاندارد بازی های قرآنی تولید شده اند، امروز در این رویداد به ارائه کارشان می پردازند.



○ اسماعلا مکار، مربی نقاشی و عضو تشکل مسجد تشکل حضرت محمد^(ص) در محله امام‌رضا^(ع)، هر روز در نمایشگاه حضور داشت و به علاقه‌مندان، نقاشی روی دیوارکوب‌های سفالی را آموزش می‌داد. او در این باره توضیح داد: هدف ما از ارائه آموزش رایگان، کمک به درآمدزایی افراد به ویژه نوجوانان و جوانان است.



○ تشکل مسجد پنج تن در محله شهید بهشتی به صورت رایگان به زنان سرپرست خانوار آموزش گلیم بافی می‌داد. محبوبه نادی، نماینده این تشکل، درباره حضور خود در نمایشگاه گفت: ارتباط بسیار خوبی بین ما و بازدیدکنندگان برقرار شد و بسیاری از علاقه‌مندان درخواست یادگیری گلیم بافی داشتند.



فعالیت‌های ۳۰ تشکل مردمی منطقه ۸ در نمایشگاه «به توان مردم» معرفی شد

آموزش هنر، فرهنگ و اقتصاد در محله

نجمه موسوی زاده شهرداری منطقه ۸ با حضور فعال در نمایشگاه «به توان مردم»، فعالیت‌های سی تشکل مردمی را به بازدیدکنندگان معرفی کرد. به نقل از معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۸، حدود ۱۲۰ تشکل مردمی در این منطقه فعالیت می‌کنند و با دعوت از تعدادی از آن‌ها، تلاش شده است ضمن معرفی، بستری مناسب برای حمایت و رشد این تشکل‌ها فراهم شود.



○ یکی از فعالیت‌های تشکل مسجد نور در محله امام‌خمینی^(ره)، تبلیغ پویش «نه به پلاستیک» بود. اعظم ایمانی، فعال محیط زیست، با استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای برای مصارف مختلف مانند نان، سبزی و خرید، تلاش می‌کند مردم را درباره پیامدهای استفاده از پلاستیک آگاه کند.



عکس: نجمه موسوی زاده/شهرآرا

○ فرزانه نخعی، جوان هنرمند محله شهید بهشتی، نیز در حاشیه نمایشگاه، تصویری از شهید رئیسی را با تکنیک سیاه قلم روی بوم نقاشی کرد و به بازدیدکنندگان درباره این سبک هنری توضیح داد.